

دعای روز شانزدهم

اللَّهُمَّ وَفَّقْنِي فِيهِ لِمُؤَافَقَةِ الْأَبْرَارِ وَجَنَّبْنِي فِيهِ مُرَافَقَةَ الْأَشْرَارِ وَ آوِنِي فِيهِ بِرَحْمَتِكَ إِلَيَّ (فی) دَارِ الْقَرَارِ بِإِلَهِيَّتِكَ يَا إِلَهَ الْعَالَمِينَ:

خدایا در این روز مرا بر موافقت (همراهی) مردان نیک موفق فرما و از رفاقت اشرار دور گردان و مرا در بهشت دارالقرار به رحمت منزل ده! به حق الهیت و معبودیت ای خدای عالمیان.

ترجمه منظوم دعا

ای که بهر ذات پاکت نی عدیل
وفق و همراهی بهر نیک و اصیل
گر چه می باشند در دنیا قلیل
با کسی کو هست ذوالفعل الجمیل
مردم معیوب بی اصل علیل
هیچگه یارب بر این عبد ذلیل
جنت الفردوس و نزد جبرئیل
عاقبت منزل کند بی قال و قیل
فیضها بسیار داری زین قبیل
یا اله العالمین انت المقیل

یا کریم الصبح یارب الجلیل
کن نصیب من چنین ماه عزیز
حشر با خوبان بفرما قسمتم
خلطه و آمیزشم باشد مدام
از بدنام دور فرما ای خدا
حشر با اشرار را قسمت مکن
منزلم ده در بهشت جاودان
خوش به حال آن که در دارالقرار
گر به فضلت لطف سازی چون شود
حق و حدانیت بدهم قسم

فقره اول دعا: همراهی با نیکان

اللَّهُمَّ وَفَّقْنِي فِيهِ لِمُؤَافَقَةِ الْأَبْرَارِ:

ای خدا در این روز مرا بر موافقت (همراهی) مردان نیک موفق فرما.

ابرا و نیکان در قرآن

ابرا از ماده برّ است و برّ یعنی نیکی که در قرآن به همراه تقوی آورده شده است:

«وَتَعَاوَنُوا عَلَى الْبِرِّ وَالتَّقْوَىٰ وَلَا تَعَاوَنُوا عَلَى الْإِثْمِ وَالْعُدْوَانِ»^۱

در نیکی و پرهیزکاری با هم همکاری و تعاون کنید و هرگز در راه گناه و تعدی همکاری نکنید.

در سوره بقره چند ویژگی برای نیکی، نیکوکار و ابرار بیان شده است. در آنجایی که مسلمین در باره ظواهر دین بحث می‌کنند و درباره قبله که به کدام سو نماز بخوانند و تغییر آن صحبت می‌کنند؛ این آیه نازل شد و روشن کرد که برّ به این ظواهر کار و صورت اعمال ما نیست که شما همه وقت خودتان را صرف بحث در این مورد کرده‌اید؛ بلکه ابرار خصوصیات‌شان این گونه است:

«.... وَلَكِنَّ الْبِرَّ مَنْ آمَنَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَالْمَلَائِكَةِ وَالْكِتَابِ وَالنَّبِيِّينَ وَآتَى الْمَالَ عَلَىٰ حُبِّهِ ذَوِي الْقُرْبَىٰ وَالْيَتَامَىٰ وَالْمَسَاكِينَ وَابْنَ السَّبِيلِ وَالسَّائِلِينَ وَفِي الرِّقَابِ وَأَقَامَ الصَّلَاةَ وَآتَى الزَّكَاةَ وَالْمُوفُونَ بِعَهْدِهِمْ إِذَا عَاهَدُوا وَالصَّابِرِينَ فِي الْبَأْسَاءِ وَالضَّرَّاءِ وَحِينَ الْبَأْسِ أُولَئِكَ الَّذِينَ صَدَقُوا وَأُولَئِكَ هُمُ الْمُتَّقُونَ»^۲

با استفاده از این آیه شریفه ابرار کسانی‌اند که:

۱. به خدای متعال، روز رستاخیز، فرشتگان، کتاب آسمانی و پیامبران ایمان دارند.
۲. مال خود را با عین علاقه و نیاز خود به خویشاوندان خود می‌بخشند و به یتیمان، فقرا، در راه‌ماندگان، گدایان و بردگان انفاق می‌کنند.
۳. نماز را به پا می‌دارند.
۴. زکات را می‌پردازند.
۵. به عهد خود وفا می‌کنند.
۶. در برابر محرمیت‌ها بردبارند.
۷. در بیماری‌ها استقامت می‌ورزند و صبورند.
۸. در میدان جنگ استقامت دارند و صبورند.
۹. اینان راست‌گویان و صادقین هستند.
۱۰. پرهیزکار هستند.

۱. مائده: ۲.

۲. بقره: ۱۷۷.

ابرار و نیکان در روایات

روایات ائمه اطهار علیهم السلام ما را به مجالست با خوبان و نیکان و پرهیز از همنشینان و رفاقت با اشرار ترغیب می‌نماید؛ حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام نیز در بیانی ساده و نورانی مضمون دعای امروز را بیان فرموده است:

«از اشرار و بدان دوری گزینید و با خوبان به مجالست نمایید»^۱.

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم ده ویژگی برای ابرار بیان فرموده است که به متن روایت اشاره می‌گردد.

قال رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم: «أما علامة البارّ فعشرة: يُحِبُّ فِي اللَّهِ، وَ يُبْغِضُ فِي اللَّهِ، وَ يُصَاحِبُ فِي اللَّهِ، وَ يُفَارِقُ فِي اللَّهِ، وَ يَعْضِبُ فِي اللَّهِ، وَ يَرْضَى فِي اللَّهِ، وَ يَعْمَلُ لِلَّهِ، وَ يَطْلُبُ إِلَيْهِ وَ يَخْشَعُ لِلَّهِ خَائِئِفاً مَخَوْفاً طَاهِراً مَخْلِصاً مُسْتَحِياً مُرَاقِباً، وَ يُحْسِنُ فِي اللَّهِ»:

نشانه نیکوکار ده چیز است:

۱. برای خدا دوست می‌دارد.
۲. برای خدا دشمنی می‌ورزد.
۳. برای خدا یار و همراه می‌شود.
۴. برای خدا جدا می‌شود.
۵. برای خدا خشم می‌گیرد.
۶. برای خدا خشنود می‌شود.
۷. برای خدا کار می‌کند.
۸. خدا را می‌طلبد و خداجوست.
۹. در برابر خدا خاشع و ترسان و هراسان و پاک و با اخلاص و باحیا و مراقب خود است.
۱۰. برای خدا احسان و نیکی می‌کنند.

مصدق حقیقی ابرار

مصدق بارز ابرار اهل بیت علیهم السلام می‌باشند. در حدیثی از امام مجتبی علیه السلام، می‌خوانیم:

۱. غررالحکم؛ حدیث ۴۷۴۶.

«كُلَّمَا فِي كِتَابِ اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ مِنْ قَوْلِهِ إِنَّ الْأَبْرَارَ فَوَ اللَّهِ مَا أَرَادَ بِهِ إِلَّا عَلِيَّ بْنَ
إِبِيطَالِبٍ وَ فَاطِمَةَ وَ أَنَا وَ الْحَسِينَ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ»^۱
هر جا در قرآن اِنَّ الْأَبْرَارَ آمده، به خدا سوگند منظور پروردگار از آن،
علی بن ابیطالب و فاطمه و من و حسین می باشیم.

فقره دوم: دوری از اشرار

وَ جَنَّتَنِي فِيهِ مُرَافَقَةُ الْأَشْرَارِ:
و مرا از دوستی و رفاقت با بدکاران دور گردان.

آثار رفاقت با اشرار

۱. سقوط و تباهی

حضرت امیرالمؤمنین عليه السلام فرمودند:
«مُصَاحَبَةُ الْأَشْرَارِ تُوجِبُ التَّلَفَ»^۲: دوستی با اشرار موجب تلف و نابودی انسان
خواهد شد.
اگر رفیق و دوست شایسته نباشد، او را در معرض خطر و لب پرتگاه قرار می دهد.
به فرموده قرآن کریم کسی که در دنیا رفیق بد داشته و از او تأثیر گرفته است، در
آخرت آرزو می کند ای کاش با او رفاقت و همنشینی نمی داشتم.
«يَا وَيْلَتَى لَيْتَنِي لَمْ أَتَّخِذْ فُلَانًا خَلِيلًا»^۳: وای بر من ای کاش فلان شخص فاسد را
به دوستی نمی گرفتم و به مصاحبت او تن نمی دادم.

یار بد بدتر بود از مار بد
یار بد بر جان و بر ایمان زند

تا تا توانی می گریز از یار بد
مار بد تنها تو را بر جان زند

۲. باعث آزردهی انسان است.

امیرالمؤمنین عليه السلام می فرمایند:
«صُحْبَةُ الْأَحْمَقِ عَذَابُ الرُّوحِ»^۴.

۱. نورالقلین؛ ج ۵، ص ۵۳۳، حدیث ۳۳.

۲. تصنیف غرر الحکم و درر الکلم؛ ص ۴۳۲.

۳. فرقان: ۲۸.

۴. تصنیف غرر الحکم و درر الکلم؛ ص ۴۳۳.

۳. باعث بی دینی انسان می شود.

حضرت علی علیه السلام می فرمایند:
 «خُلِطَةُ أُنْبَاءِ الدُّنْيَا رَأْسُ الْبُلُوَى وَ فَسَادُ التَّقْوَى»^۱: دوستی با دنیاپرستان، ریشه بلاها و فساد تقوی است.

۴. باعث بدگمان شدن به انسان نیک می شود.

حضرت علی علیه السلام می فرمایند: «مُصَاحِبُهُ الْأَشْرَارُ تُوجِبُ سُوءَ الظَّنِّ بِالْأَخْيَارِ»^۲:
 دوستی با اشرار باعث سوء ظن و بدگمانی به نیکان می شود.

۵. باعث درگیری و دعوا می شود.

امیرالمؤمنین فرمودند:
 «مَنْ جَلَسَ الْجَاهِلَ فَلَيْسَتْ عِدَّةٌ لِقَبِيلٍ وَ قَالَ»^۳: کسی که با جاهل و نادان همنشینی کند،
 باید آماده قیل و قال و درگیری باشد.

فقره سوم: سکونت در دارالقرار

وَ أَوْنِي فِيهِ بِرَحْمَتِكَ إِلَيَّ (فِي) دَارِ الْقَرَارِ: و مرا با رحمت خویش در بهشت جاودان منزل و مأوا ده.

دارالقرار، یکی از القاب و اسامی بهشت

برای آنکه انسان بتواند به دارالقرار (محل آرامش)؛ یعنی بهشت برین دست یابد، لازمه اش این است صفاتی را که برای ابرار ذکر گردید، دارا باشد و خود را از صفات و حرکات و رذیله اشرار که همه آنها نشأت گرفته از شیطان رجیم و رانده شده از درگاه حق می باشد، دور سازد. در سوره مبارکه انسان، از آیه یازده الی بیست و دو، مشخصات بهشت ابرار را بر می شمرد.

تعبیر «رحمت» معنی بسیار وسیع و گسترده ای دارد که تمام مواهب جهان را دربرمی گیرد. گاه جنبه معنوی و گاه جنبه مادی دارد و به همین دلیل وقتی انسان تمام درهای ظاهری را به روی خود بسته می بیند، احساس می کند رحمت الهی بر قلب و

۱. همان؛ ص ۱۳۸.

۲. همان.

۳. بحارالأنوار؛ ج ۷۴، ص ۲۸۸.

جان او روان است؛ بنابراین شاد، خرسند، آرام و مطمئن می‌گردد؛ هر چند در تنگنای زندان گرفتار باشد.

اگر رحمت پروردگار شامل حال انسان گردید و توانست به زندگی زودگذر دنیوی دل نبندد، می‌تواند امیدوار باشد تا در «دارالقرار» که همانا بهشت جاویدان است، مخلد شود:

«هَذِهِ الْحَيَاةُ الدُّنْيَا مَتَاعٌ وَإِنَّ الْأَخِرَةَ هِيَ دَارُ الْقَرَارِ»^۱.

سر اینکه آخرت، دارالقرار است: «إِنَّ الْأَخِرَةَ هِيَ دَارُ الْقَرَارِ»؛ آن است که انسان در دنیا چون به مقصد نرسیده و در بین راه است، آرامش ندارد؛ ولی وقتی به بهشت رسید، می‌آرمد؛ چون حرکت، به مقصد و متحرک، به هدف رسیده است.^۲

حضرت علی علیه السلام می‌فرماید: «الْآخِرَةُ دَارٌ مُسْتَقَرٌّكُمْ فَجَهِّزُوا إِلَيْهَا»^۳.

روایت دیگری از علی علیه السلام نقل شده است که حضرت فرمود:

«فَاَجْعَلُوا عِبَادَ اللَّهِ اجْتِهَادَكُمْ فِي هَذِهِ الدُّنْيَا التَّرَوُّدَ مِنْ يَوْمِهَا الْقَصِيرِ لِيَوْمِ الْآخِرَةِ الطَّوِيلِ».

کوشش‌تان را برای توشه‌برداشتن از روزی که کوتاه است؛ یعنی دنیا برای روزی که بلند است؛ یعنی آخرت قرار دهید.

«فَإِنَّهَا دَارُ عَمَلٍ وَالْآخِرَةُ دَارُ الْقَرَارِ وَالْجَزَاءِ»^۴.

زیرا دنیا محل عمل است و آخرت محل استقرار و جزادهی.

فقره چهارم دعا:

بِالْهَيْتِكَ يَا إِلَهَ الْعَالَمِينَ:

به حق خداییت، ای خدای عالمیان

(به خدایی خودت قسم که این دعاها را مستجاب کن و در بهشتت جای بده)

در پایان دعای امروز اشاره به توحید در عبادت کرده و خداوند را به الهیتش می‌خوانیم؛ زیرا در عبادت و استعانت تنها باید الله را پرستش کرد و تنها از او کمک طلبید.

۱. مؤمن: ۳۹.

۲. آیت‌الله جوادی آملی؛ تفسیر موضوعی قرآن کریم؛ ج ۹ (سیره رسول اکرم در قرآن).

۳. غررالحکم؛ ص ۱۴۸.

۴. بحار الأنوار؛ ۳۵۲۷۴.

در واقع تنها اوست که شایسته عبادت است. عبادت باید برای کسی باشد که کمال مطلق و مطلق کمال است، کسی که از همگان بی‌نیاز است و بخشنده تمام نعمت‌ها و آفریننده همه موجودات است.

هدف اصلی از عبادت، راه‌یافتن به جوار قرب، آن کمال مطلق و هستی بی‌پایان و انعکاس پرتوی از صفات کمال و جمال او در درون جان است که نتیجه‌اش فاصله‌گرفتن از هوی و هوس‌ها و روی‌آوردن به خودسازی و تهذیب نفس است و این هدف جز با عبادت «الله» که صاحب مقام الهیّت می‌باشد، امکان‌پذیر نیست.